

نوع مقاله: پژوهشی

یادکرد نام امام حسین علیه السلام در تورات

(مطالعه موردی: نقد و تحلیل مقاله «الإمام الحسين علیه السلام بين القرآن والتوراة والإنجيل»)

karimiimahmoud@gmail.com

محمود کریمی / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام

امیرحسین فراستی / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

چکیده

بر اساس آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همراهانش، در کتب آسمانی پیشین یاد شده‌اند. نبودن نام رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در کتاب مقدس کنونی، پژوهشگران را برآن داشته است تا به رمزگشایی بخشی از آیات عهدین در این موضوع همت گمارند. مقاله «الإمام الحسين علیه السلام بين القرآن والتوراة والإنجيل» به قلم پژوهشگر عراقی، خانم زهور کاظم زعیمان، در مجله السبط، نمونه‌ای از این دست است که کوشیده تا نمادهای مورد اشاره آیه شریفه مذکور را در کتاب مقدس بازجوید. وی با اعتقاد به نمادین بودن آیاتی از کتاب مقدس، که حاوی نشانه‌های اصحاب کساء علیهم السلام است، واژه «سَطَاء» (جوانه) را نشانگر امام حسین علیه السلام و «شاخه» را مفهوم و نماد متناظر آن در تورات می‌داند. در عین حال که دیدگاه تفسیری وی نوآورانه و قابل تأمل است، اشکالاتی روشی در اثر او به چشم می‌خورد که از اعتبار آن می‌کاهد. جستار حاضر با هدف بررسی و نقد مقاله نام‌برده در موضوع یادکرد نام امام حسین علیه السلام در تورات، و با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی به رشته تحریر درآمده است تا با یادآوری نمونه‌هایی از خطاهای رایج در این گونه از مقالات، راهکاری برای آفرینش آثار علمی روشمند و متقن پیش نهد.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، شطاء، عهد قدیم، آیات نمادین تورات، همراهان رسول الله صلی الله علیه و آله.

رسول الله ﷺ موعود انبیای پیش از خود است. به تصریح قرآن کریم، در تورات و انجیل منزل از سوی حضرت حق، از پیامبر اکرم ﷺ نام برده شده (اعراف: ۱۵۷) و اهل کتاب او را همچون فرزندان خود می‌شناخته‌اند (بقره: ۱۴۶). در پاره‌ای از روایات فریقین در ذیل تفسیر آیه «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (اعراف: ۱۵۷) آمده است که صفت رسول خدا ﷺ در این دو کتاب آسمانی، مذکور بوده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۱۷). با نگاهی به روایات ائمه اطهار ﷺ درمی‌یابیم که این بزرگواران نیز در کتب آسمانی سابق شناسانده شده‌اند و احادیث متعددی مؤید این مدعاست؛ برای نمونه، در مناظره امام رضا ﷺ با جاثلیق مسیحی آمده است که ایشان پس از بیان صفات رسول اکرم ﷺ در انجیل و اقرار جاثلیق بدان، اسمای شریف اصحاب کساء را که در همان کتاب مذکور است، بیان فرمودند (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۵). در خبری دیگر آمده است که هیئتی از یهودیان بر رسول خدا ﷺ وارد شدند و در میانه گفت‌وگو، درباره چند چیز مکتوب در تورات پرسیدند و حضرت ﷺ در پاسخ، نام مبارک خود و اهل بیت خویش را ذکر فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۹۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷). در روایتی دیگر، رسول اعظم ﷺ پس از بیان فضایی از امیرالمؤمنین ﷺ به وجود نام دو فرزند گران قدر حضرت فاطمه زهرا ﷺ در تورات اشاره فرمودند (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳). مقاله حاضر درصدد است به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد: ۱. چه تفسیر جدیدی از آیه «شطاء» در مقاله «الإمام الحسين ﷺ بين القرآن والتوراة والإنجيل» ارائه شده است؟ ۲. با استناد به کتاب مقدس، سیاق آیات قرآنی، تفاسیر و روایات، چه نقدهایی را می‌توان بر موضوع یادکرد امام حسین ﷺ در تورات وارد کرد؟

۱. پیشینه تحقیق

این قبیل آیات و روایات که به ورود نام رسول الله ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان در کتب آسمانی سابق تصریح دارند، زمینه‌ای را برای پژوهشگران فراهم آورده‌اند تا به جست‌وجوی نشانه‌های پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در آنچه امروزه با نام عهدین در دست داریم، بپردازند. از این آثار می‌توان به کتب *بشارات عهدین* به قلم محمد صادقی تهرانی، *محمد در تورات و انجیل* اثر داود عبدالاحد، *انیس الأعلام فی نصره الإسلام* نوشته محمدصادق فخرالاسلام و مقاله «نام دوازده امام در تورات: نگاهی نو به بشارت ابراهیم در سفر پیدایش» از هادی‌علی تقوی و همکاران اشاره کرد.

مقاله خانم زعیمان با عنوان «الإمام الحسين ﷺ بين القرآن الكريم والتوراة والإنجيل» اثری جدید در این عرصه است که به‌طور ویژه بررسی نشانه‌های ابی‌عبدالله ﷺ را در سه کتاب آسمانی هدف پژوهش خود قرار داده است. این اثر حاوی نگاهی نو به آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح بوده و تعبیر «شطاء» در آن را نمادی برای اشاره به امام حسین ﷺ ذکر کرده است. به‌رغم تلاش قابل تقدیر وی، خطاهای روشی متعددی در مقاله او به چشم می‌خورد.

از این رو با هدف نقد نمونه‌ای از آثار نگاشته شده در جهت حقانیت اهل بیت (ع) با استفاده از رویکرد مطالعات تطبیقی ادیان، مقاله حاضر به رشته تحریر درآمد.

امید است که پژوهشگران این عرصه با رعایت روش علمی مورد تأیید رشته مورد مطالعه، آثاری معتبر و ارزشمند بیافرینند. در پایان شایان ذکر است که شأن و مقام اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بس والاتر از آن است که برای اثبات آن به مستندات ضعیف و روایات مشکوک متمسک شویم.

۲. شخصیت علمی مؤلف

خانم زهور کاظم صادقی زعیمین، استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه کاظمین و مدیرکل بخش تربیت در آموزشگاه کرخ ثالثه در عراق می‌باشد. وی مدرک دکترای خود را در رشته فلسفه زبان عربی از دانشگاه بغداد اخذ کرده است؛ علاوه بر این، دارای مدرک هنر آداب معاشرت و تشریفات (Etiquette and Protocol) از سازمان حقوق بشر در بیروت و مدرک تشریفات از قبرس می‌باشد. از جمله مقالات نام‌برده می‌توان بدین موارد اشاره داشت: - مدلول فتاة در آیه شریفه «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَاتِهِ لَأَبْرَحَ حَتَّىٰ أَلْبُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا»؛ پنجمین همایش زبان عربی در دبی، سال ۲۰۱۶م؛

- پدیده‌های صوتی در لهجات زبان عربی اهل خلیج؛ ششمین همایش زبان عربی در دبی، سال ۲۰۱۷م؛

- فاطمه زهرا (ع) در قرآن کریم و کتب مقدس؛

- تحلیل زبانی محنت خلق قرآن در دوران امام هادی (ع) و سخن ایشان در مورد آن؛ مجله تسنیم، سال هشتم،

شماره هفتم و هشتم؛

- نقش پویانمایی‌ها در سخن گفتن دانش‌آموزان به زبان عربی فصیح؛ مجله العمدة فی اللسانیات وتحلیل

الخطاب؛ سال اول، شماره دوم.

۳. محورهای اصلی مقاله

در این بخش گزارشی مختصر از مقاله «الإمام الحسين (ع) بين القرآن الكريم والتوراة والإنجيل» ارائه خواهد شد و تحلیل آن همراه با ذکر مؤیدات و اشکالات وارد بر اثر، به بخش پسین موکول می‌گردد. این مقاله را می‌توان در ذیل سه محور کلی، که هر کدام به نشانه‌ای از امام حسین (ع) در یک کتاب آسمانی اهتمام داشته است، معرفی نمود. مؤلف در آغاز، به تبیین جایگاه امام حسین (ع) در سنت اسلامی می‌پردازد و سپس تلاش می‌کند تا ویژگی‌های مذکور برای همراهان رسول خدا (ص) در آیه ۲۹ سوره فتح را در تورات و انجیل باز یابد و نمادهای به کاررفته در کتاب مقدس برای هر یک از نشانه‌های قرآنی را رمزگشایی نماید.

۳-۱. امام حسین (ع) در اسلام

امام حسین (ع) در سنت اسلامی دارای ویژگی‌های ممتازی هستند و آیات و روایات فراوانی در شأن این بزرگوار بیان شده است. در ادامه به نمونه‌هایی اندک کوچکی از این دست آیات و روایات اشاره خواهد شد.

مؤلف با اشاره به آیه مباحله (فَمَنْ حَاكَمَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران: ۶۱)؛ هر کس پس از دانشی که به سوی تو آمده است، در مورد آن با تو بحث و مجادله کند، بگو ببیند تا فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را فرایخوانیم؛ آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم) و با استناد به روایات مورد اتفاق فریقین ذیل این آیه، مباحله‌کنندگان را اصحاب کساء^ع معرفی می‌کند و امام حسین^ع را از ایناء رسول الله^ص برمی‌شمارد.

سپس با اشاره به هجرت متأخر جمعی از مسیحیان نجران به کوفه و نیز یکی از مسیحیان مسلمان شده به نام خدش که به سبب گرایش علوی‌اش به شهادت رسید و همچنین شواهد دال بر انتخاب کنیه‌های حسن و حسین و علی توسط جمعی از مسیحیان، اینها را نشانه‌ی محبت مسیحیان به اصحاب کساء می‌داند و سخن مدعیان زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان و مسیحیان را در سایه حکومت اموی ناصواب برمی‌شمارد. همچنین احتمال می‌دهد که این رفتار مسیحیان ناشی از شناختن نشانه‌های امام حسین^ع در تورات و انجیل باشد؛ همان نشانه‌هایی که قرآن کریم (فتح: ۲۹) از آن یاد کرده است (زعیمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۴۷-۴۸).

۲-۱-۳. حدیث آفرینش امام حسین^ع از سمت راست عرش پیش از آغاز خلقت

تلاش مؤلف در این بخش، اثبات جایگاه وصف‌ناشدنی اصحاب کساء^ع و از جمله امام حسین^ع است. ایشان در تفسیر آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۳۱)؛ و همه نام‌ها را به آدم آموخت؛ آن‌گاه آنها را بر فرشتگان عرضه داشت و گفت: مرا از نام ایشان باخبر سازید، اگر راست‌گو هستید»، ابتدا ضمیر «هُم» در «عرضهم» را که به «أسماء» برمی‌گردد، دال بر عقلا می‌داند و مدلولش را افرادی ویژه برمی‌شمارد که همان اشخاص گرداگرد عرش‌اند و جز آل محمد^ص نیستند.

سپس حدیثی از امام صادق^ع را مؤید آن می‌آورد که طبق آن، خداوند متعال پنج تن را از نور جلالش آفرید و هر یک را به یکی از نام‌های نازل شده خود نامید. آن‌گاه ایشان را در میثاق قرار داد؛ چراکه از سمت راست عرش‌اند. زمانی که آدم^ع را آفرید، او از سمت راست عرش بر ایشان نظر افکند و به منزلت رفیعشان آگاه شد.

مؤلف بر این باور است که نام مبارک اصحاب کساء^ع مکتوب بر عرش است و این حقیقتی است مذکور در تورات. برای اثبات این گفته، ابتدا به خلقت نور و ارواح حضرات^ع پیش از خلقت آدم^ع اشاره می‌کند و به سخن رسول الله^ص در این موضوع استناد می‌جوید؛ سپس گزارشی را ذکر می‌کند که مطابق آن، زمانی که قاتلان حامل سر مبارک امام حسین^ع شب‌هنگام در دیری فرود آمدند، راهب آن دیر نوری دید که از سر حضرت تا دامنه آسمان امتداد داشت و بدین سبب اسلام آورد. وی نتیجه می‌گیرد، راهب به نشانه‌های اصحاب کساء که در کتابشان آمده بود، آگاهی داشت؛ از همین رو با رؤیت تطابق نشانه‌ها ایمان آورد (همان، ص ۴۹).

در این بخش، مؤلف در پی کشف معنای مقصود از واژه «شطاء» در آیه ۲۹ سوره فتح می‌باشد. به گفته وی، این واژه تک‌آمد در قرآن کریم، نشانه‌ای برای بازشناسی همراهان رسول اعظم صلی الله علیه و آله بوده و توصیف ایشان در کتب آسمانی، با نماد و نه اسم صریح آمده است. بدین سبب، همچنان بشارت‌هایی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن باقی است که به دلیل نمادین بودنش، در روزگار خود گنگ بوده و تحریف نشده است (همان، ص ۵۰).

الف) معنای لغوی شطاء

مؤلف در این قسمت، به معنای «شطاء» در واژه‌نامه‌های عربی استدلال می‌کند و ادعا دارد، به اتفاق نظر لغویان، «شطاء الزرع» یعنی جوانه آن؛ لذا همان‌طور که جوانه گیاه همواره از اصل خود است، نه گیاهان اطرافش، جوانه شخص فرزند اوست، نه یارانش. بنابراین حسین علیه السلام از اصل خود، جدش که فرمود: «حسین منی»، جوانه زده است. ضمناً هیچ واژه‌نامه‌ای «شطاء» را اصحاب ندانسته است (همان، ص ۵۰-۵۱).

ب) شطاء در احادیث

در این قسمت، مؤلف روایاتی را عنوان می‌کند که در آن از امام حسین علیه السلام به «فَرخ» (فرزند) تعبیر شده است. او «شطاء» و «فرخ» را همسان می‌گیرد و دلیلش را کلام بخاری درباره شطاء (شطاء فراخه) و مطابقت آن با واژه‌نامه‌ها می‌داند. چند نمونه از آن روایات عبارت‌اند از: مناجات امام حسین علیه السلام نزد قبر جد بزرگوارش صلی الله علیه و آله با تعبیر «أنا الحسين بن فاطمة، فرخک وابن فرختک»؛ حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام و مشاهده شهادت امام حسین علیه السلام در رؤیا با تعبیر «کأنی بالحسین سخلی و فرخی... قد غرق فیه [= دمه العیط]» و فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت دادن مردمان به اینکه حسین علیه السلام «فرخا رسول الله صلی الله علیه و آله» هستند (همان، ص ۵۱). افزون بر این، حدیثی دیگر را شاهد می‌آورد که حسب آن، وقتی عیسی علیه السلام از کربلا عبور می‌کرد، بر حسین علیه السلام گریست و او را «فرخ الرسول أحمد» نامید که در آن خاک به خون خواهد نشست و گلی خوشبوتر از مُشک برجای خواهد گذاشت.

ج) شطاء در تفاسیر

سومین بخش از تبیین مفهوم «شطاء»، استناد به کلام مفسرین است. وی می‌نویسد: مفسران در تفسیر «زرع» به پیغمبر صلی الله علیه و آله و «شطاء» به اصحاب او اتفاق نظر دارند؛ اما بن‌الأعقم مخالف این نظر است. طبق اجماع مفسرین، شطاء همان فراخ (فرزند) است و این سخن با بخشی از آیه که می‌فرماید: «فاستوی علی سوقه» آشکارتر می‌گردد که گوید فراخ (فرزند) بر اصل خود می‌ایستند؛ چنان که زمخشری «بعلی» (به استعانت علی) را در تقدیر گرفته است. در نتیجه، مقصود از شطاء الزرع، سلاله رسول اکرم صلی الله علیه و آله از نسل فاطمه علیه السلام می‌باشد و نه هیچ کس دیگر (همان، ص ۵۲).

چنان‌که گذشت، «شطاً» (جوانه) یکی از نشانه‌های امام حسین علیه السلام در کتاب مقدس است. البته به اعتقاد مؤلف، مفهوم همسان آن در کتاب مقدس، شاخه می‌باشد. برای مثال، تورات پس از تمجید خدمتگزار خداوند (اشعیا/ ۵۲: ۱۳-۱۵)، او را به نهالی در شوره‌زار توصیف می‌کند (اشعیا/ ۵۳: ۲). به گفته زعمیان، این بشارت اشعیا، به همان گیاهی است که در بیابان خشک مکه جوانه می‌زند؛ سپس از سربریده شدن سر او و نیز نسل و عمر دراز و مشقت‌هایش سخن می‌آید (اشعیا/ ۵۳: ۷-۱۱). زعمیان با ادعای عدم تطابق نشانه‌هایی مانند ذبح شدن و داشتن نسل، برای حضرت مسیح علیه السلام، مراد آیات را امام حسین علیه السلام برمی‌شمارد.

وی در ادامه با استناد به حدیثی که «یس» را نام رسول الله صلی الله علیه و آله می‌بیند، برابرش را در تورات، «نهالی از تنه یَسَى (نام پدر داود در کتاب مقدس)» (Jesse) (اشعیا/ ۱۱: ۱) بیان می‌کند؛ همچنین موعود زکریا علیه السلام را که عمامه طاهره بر سر دارد (زکریا/ ۳: ۵)، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند؛ چه این وصف با عیسی علیه السلام سازگار نیست. بنابراین، «شاخه» نماد تحریف‌نشده امام حسین علیه السلام در تورات است؛ زیرا تمثیل شاخه و درخت برای پدر و پسر در تورات شناخته‌شده بوده و نمونه‌اش یعقوب و یوسف علیه السلام است (پیدایش/ ۴۹: ۲۲) (زعمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۲-۵۳).

۱-۲-۳. قربانی در رؤیای ارمیا

دیگر نماد مورد اشاره تورات، فردی است که سید زمین در روزگار خویش بوده و پس از کازاری خونین، کنار رود فرات برای خداوند قربانی می‌شود (ارمیا/ ۴۶: ۴-۱۰). این قربانی بر کناره فرات در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام معرفی می‌شود (همان، ص ۵۴).

۲-۲-۳. شاخه در رؤیای ارمیا

در همین سفر است که ارمیا پس از مشاهده شاخه بادام (ارمیا/ ۱۱: ۱) از سرزمینی بی‌آب و علف و مردمانی مشرک خبر می‌دهد و به صحرای قیدار در شرق اشاره می‌کند (ارمیا/ ۲: ۱۰). قیدار جد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نام پسر دوم اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام و همچنین پدر مشهورترین قبایل عرب است که سرزمینشان هم بدین نام شناخته می‌شود (همان، ص ۵۴).

۴. نقد و تحلیل مقاله

ابتدا از نقاط مثبت و نوآوری پژوهشی مقاله مورد بررسی سخن خواهد آمد و در ادامه خطاهای علمی قابل تأمل مؤلف آن ذکر خواهد شد. بی‌شک این نقد متوجه روش علمی و مستندات وی است و راقمان این سطور هرگز منکر اصل موضوع و درصدد نفی حقانیت قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام نیستند.

پیروان ادیان ابراهیمی در طول تاریخ کوشیده‌اند تا با استناد به کتب آسمانی ادیان متقدم، حقانیت خود را اثبات کنند و به اصحاب آن کتب بقبولاند (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰). در این مسیر، همسان‌یابی نشانه‌ها میان کتب آسمانی تنها راه ممکن است؛ چه هیچ یک در کشف نام صریح پیامبر خود توفیقی نیافته‌اند. بی‌تردید این امر نیز بسی دشوار است و تلاشی وافر می‌طلبد تا بتوان نشانه‌های موعود در کتاب ناسخ را در کتاب منسوخ پیدا کرد. افزون بر این، مصون نماندن برخی از این کتب از گزند تحریف، سختی پژوهش در این باب را دوچندان ساخته است؛ از این‌رو تلاش خانم زعیمیان برای یافتن شماری از نشانه‌های امام حسین علیه السلام - که به باور وی موعود قرآن مجید در تورات و انجیل است - امری بدیع و درخور تقدیر است. حاصل این کوشش، اثباتی نو بر حقانیت مذهب شیعه است که نشان می‌دهد از بدو تاریخ بدان بشارت داده شده است و هرگز پرداخته علمای متأخر نیست. اثبات بین‌الادیبانی بدین روش، مسبوق به سابقه نبوده است و وجه نوآوری اثر به‌شمار می‌رود. او با بررسی لغوی واژه «شطاء» در آیه ۲۹ سوره فتح نشان می‌دهد که تفاسیر پیشین از این تعبیر، صحت ندارند و قابل انطباق بر آیه نیستند. همچنین با بررسی روایات فراوانی که منزلت رفیع ائمه اطهار علیهم السلام را خاطر نشان می‌سازد، برای تفسیر تازه خویش از مفهوم «شطاء» مؤید می‌آورد. آیات توراتی مورد استناد مؤلف حاوی نشانه مزبور بوده و سخنی نامربوط به‌میان نیاورده است. منابع متعددی از تألیفات شیعه و سنی و حتی اهل کتاب در مقاله زعیمیان به‌چشم می‌خورد که بر قوت و غنای اثر افزوده است.

۴-۲. نقد و بررسی روایات مورد استناد مؤلف

در این بخش با بررسی تعدادی از احادیث استفاده‌شده در مقاله خانم زعیمیان، صحت یا ضعف استنادات روایی وی آشکار می‌گردد. نخست روایتی است که /احمد بن صالح همدانی از ابن زکریا بن صالح از زکریا بن یحیی تستری از /احمد بن قتیبه همدانی از عبدالرحمن بن یزید از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که مطابق آن، خداوند پنج تن را از نور خود آفرید و نام‌هایشان را از نام‌های خود مشتق کرد. این روایت تنها در یک تفسیر زیدی مذهب ذکر شده است (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۶) و راویان آن به‌ترتیب مجهول (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ص ۳)، مجهول (مرتضی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳۰) و مجهول (مظفر، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۷-۱۸) هستند؛ لذا اعتبار این روایت از حیث سندی به‌شدت ضعیف است و استناد بدان از ارزش اثر می‌کاهد.

مورد دیگر، حدیث مشهور با لفظ «كنت نبياً و آدم بين الماء والطین» منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶ ص ۵۲۵). بر اساس تتبع نگارندگان، این حدیث هیچ سندی ندارد و حتی در کهن‌ترین منابع موجود از اهل سنت (واقعی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۴) و شیعه (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴) به‌صورت مرسل نقل شده است؛ لذا از حیث سندی طبق مبانی شیعه و اهل سنت ضعیف به‌شمار می‌رود. میان علما نیز در صحت آن اختلاف

است و از تواتر (امینی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۳۸) تا کذب آن (ابن تیمیّه، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۸۰؛ زرکشی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۷۲) گفته اند؛ اما حدیثی با همین مضمون با لفظ «کنْتُ» (جعلتُ) نبیاً و آدم بین الروح والجسد» در کتب اهل سنت (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۱۱۸؛ ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۲۹؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۷، ص ۱۷۶) یا «تَبَّتْ وَاَدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ» در کتب شیعه (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۸) نقل شده است که سند مورد اول مطابق معیارهای اهل سنت صحیح بوده (ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۶، ص ۹؛ حاکم نسیابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۶۵؛ البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۷۱) و مورد دوم از امام جواد علیه السلام مرسلأً نقل شده است. البته این حدیث در کتب غیر شیعه بسامد بیشتری داشته (عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۹۷) و در کتب شیعه کمتر یافت می شود. عدم ورود این حدیث (هر سه لفظ مذکور) در کتب اربعه شیعه - که متقدم ترین و معتبرترین کتب شیعه شناخته می شوند - با وجود شهرت آن، نشان از بی اعتمادی محدثان متقدم امامیه به این حدیث است؛ حتی در صحاح ستّه اهل سنت نیز چنین حدیثی به چشم نمی خورد و تنها لفظ دوم در سنن ترمذی آمده است (ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۶، ص ۹). این حدیث با دو لفظ دیگر نیز - اما با بسامد کمتری - نقل شده است؛ چنان که تنها در یک کتاب حدیثی شیعه بدون سند به صورت «وَأَدَمُ مَنْخُولٌ فِي طِينَتِهِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴) و در کتب اهل سنت به شکل «وَأَدَمُ لِمَنْجَدَلِ فِي طِينَتِهِ» (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۱۱۸؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۸، ص ۳۷۹) دیده می شود که در صحت سند آن هم مناقشه بوده است و هر چند بخاری مردودش خوانده، ابن حبان و حاکم صحتش را پذیرفته اند (عسقلانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۲). در مجموع، گرچه این روایت خالی از اضطراب در متن نیست، آنچه معتبرتر به نظر می رسد، تعبیر «وَأَدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ» است که منابع اهل سنت آن را نقل کرده اند، ولی در منابع متقدم شیعه یافت نمی شود. بنابراین، استناد جستن بدین روایت نیز سبب ضعف اثر می گردد.

از دیگر روایات مورد استناد مؤلف، سخن امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام گذرشان بر خاک کربلا و گریه ایشان و نیز اخبارشان از عبور عیسی بن مریم علیه السلام و حواریانش بر مقتل امام حسین علیه السلام در کربلا و گریه بر آن تربت پاک است (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۹۷-۵۹۸؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۰-۵۵۳). سند این حدیث به روایت شیخ صدوق چنین است: محمد بن احمد سنانی (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۵۶) از احمد بن یحیی بن زکریا (مامقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۱) از بکر بن عبدالله بن حبیب (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق (ب)، ج ۱، ص ۲۷۴) از تمیم بن بهلول (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۲۳) از علی بن عاصم (زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۹) از حصین بن عبدالرحمن (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۳۳) از مجاهد (ذهبی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۶) از ابن عباس (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق (الف)، ج ۳، ص ۳۳۱) از امیرالمؤمنین علیه السلام این سند به دلیل مجهول بودن احمد بن یحیی و تمیم بن بهلول، به درجه ضعیف تقلیل می یابد. با اینکه شیخ صدوق این داستان را مروی از عامه بیان می کند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۳۱)، اما در آنچه از کتب اهل سنت امروزه در دست داریم، ذکری از این روایت دیده نمی شود. شبهه ای که امکان گذر عیسی علیه السلام و حواریانش را از کربلا زیر سؤال می برد، تولد وی در بیت لحم (متی ۲: ۱) و فاصله بسیار

این دو مکان است؛ ولی در کمال ناباوری، نویسنده مسیحی، *آنتوان باره*، به دفاع از این حدیث برخاسته است و با اظهار نامعلوم بودن تاریخ دوران نوجوانی عیسی علیه السلام و همچنین قدرت ایشان بر انجام معجزات، این احتمال را می‌دهد که ایشان در همین بازه از کربلا گذر کرده باشد (باره، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۰۸).

علاوه بر موارد فوق، حدیثی مقطّع در مقاله *زعیمیان* سبب شگفتی می‌گردد؛ حدیثی با عبارت «أخرج شطأه بأبی بکر، فآزره بعر، فاستلظ بعثمان، فاستوی علی سوقه بعلی» (ابن حنبل، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۳۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۵۵). این روایت نه تنها با مبانی کلامی شیعه میانه‌ای ندارد، از سوی برخی علمای اهل سنت نیز مردود اعلام شده است (فتنی، ۱۳۴۳ق، ص ۸۴؛ ابوشبهبه، بی‌تا، ص ۸۸)؛ با این حال مؤلف با ذکر بخش پایانی آن (فاستوی علی سوقه بعلی) و حذف مابقی، بی‌اعتباری آن را پوشانده است که یک خطای علمی بزرگ محسوب می‌شود.

۳-۴. نقد و بررسی بر مبنای تفاسیر کتاب مقدس

پیروان هر آیین به صیانت اعتقادات خویش از خرافات و تحریفات ایمان دارند و هرگز خود را بر طریق گمراهی تلقی نمی‌کنند. از این رو گاه دست به تأویل می‌زنند و آنچه در ظاهر با انگاشته‌هایشان نمی‌سازد، توجیه می‌کنند. علمای ادیان همواره در اثبات حقانیت باورهایشان کوشیده‌اند که در خصوص ادیان ابراهیمی، تلاش برای کشف پیامبر آیین خود در کتب آسمانی سابق، تاریخی دراز دارد (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰). این رویکرد که در ضمن مطالعات تطبیقی ادیان می‌گنجد، می‌باید از حدود و شرایط آن خارج نشود. از اصول این مطالعات، نداشتن پیش‌انگاشته‌های مذهبی و معیار قرار دادن آیین پژوهنده است که عدم رعایت این ضابطه، وی را از جاده حق به بیراهه می‌کشاند (تیواری، ۱۳۹۶، ص ۷).

زعیمیان با تصریح به اینکه نشانه‌های امام حسین علیه السلام در کتاب مقدس نمادین هستند، سعی در تأویل این نشانه‌ها به اموری دارد که با ویژگی‌های اصحاب کساء علیهم السلام همخوانی دارند. در این بخش به ذکر سه اشکال اساسی وارد بر این مدعا بسنده می‌کنیم. بر ابتدا تأکید می‌شود که منظور از رد دیدگاه خانم *زعیمیان* هرگز به معنای انکار ورود نام‌های ائمه اطهار علیهم السلام و خصوصاً امام حسین علیه السلام در تورات نیست؛ چنان‌که در مقدمه این مقاله به احادیثی اشاره شد که به صراحت بر این مدعا صحه می‌گذارند و تکذیب آن روایات - با وجود مؤید قرآنی بر اعتبار آنها - اشتباه بزرگی است؛ بلکه تنها مقصود این قلم‌فرسایی، نقد روش علمی مقاله خانم *زعیمیان* در برداشت از کتاب مقدس است.

ایراد اول، جزم‌گویی است؛ بدین معنا که او پس از بیان نشانه‌های موعود تورات، که به گفته وی همان امام حسین علیه السلام است، انطباق آنها بر حضرت عیسی علیه السلام را محال می‌داند و سخن خود را ضرورتاً صحیح می‌انگارد (زعیمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۳). این در حالی است که عدم ذکر نام در قسمت‌هایی از کتاب مقدس سبب ناشناخته ماندن هویت فرد مورد اشاره بوده (گلدین‌گی و پین، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۲۷۳) و راه را برای تأویل باز گذاشته است.

برای نمونه، سرزمین خشکی که موعود تورات در آن می‌روید (اشعیا/ ۵۳: ۲)، می‌تواند الزاماً مکه نباشد؛ بلکه تأویل آن به زادگاه عاری از تجملات عیسی علیه السلام (شولتس، ۲۰۰۷، ص ۳۰۶) یا محل پست پرورش او (رایت و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۲۵۷) و به تعبیری شهری که مردمان آن را به‌مسخره ناتوان از زایش معنوی می‌پنداشتند (هاید، ۲۰۱۵، ص ۳۵۳)، دشوار نمی‌نماید؛ حتی برخی این صفت را به خانوادهٔ دون‌مایه (پدر نجار و خویشاوندان ماهیگیر وی، طبق اعتقاد نادرست مسیحیان) برگردانده‌اند (متیو، بی‌تا، ص ۵۴۱). همچنین بره‌ای که برای خدا قربانی می‌شود (اشعیا/ ۵۳: ۷) با استناد به سخن انجیل (یوحنا/ ۱: ۲۹ و ۳۶) که آن را لقب عیسی علیه السلام بیان داشته (کلوین، بی‌تا، ص ۹۲)، به‌سادگی تأویل‌پذیر است. علاوه بر این، مفسران مسیحی مصداق نسل این شخص موعود را هم مردمانی که شاهد تصلیب عیسی علیه السلام [مطابق اعتقاد باطل مسیحیان] بودند (فکری، ۲۰۱۸، الف، ص ۲۷۰) یا نسل‌های آینده (فریزن، بی‌تا، ص ۳۳۲) بیان داشته‌اند تا صدق نشانه‌های این موعود ناشناخته بر عیسی بن‌مریم علیه السلام تحقق یابد.

دیگر نشانه مذکور در تورات، کسی است که عمامهٔ طاهره بر سرش گذارند (زکریا/ ۳: ۵) و زعیمان با استناد به اینکه عیسی علیه السلام عمامه بر سر نداشت، تأویل صحیح را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته است (زعیمان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۳)؛ حال آنکه آیهٔ پیشین (زکریا/ ۳: ۴) در وصف این شخص گفته است: فرشتهٔ خداوند جامگان چرکین او را از تنش برکنده و گناهایش را پاک می‌سازد که این وصف با شأن عصمت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله سازگار نیست. همچنین عمامهٔ طاهره به تاج پیروزی (فکری، ۲۰۱۸، ب، ص ۱۳) و جز آن تأویل‌پذیر است. بنابراین با قطعیت نمی‌توان میان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و شخصی که زکریا علیه السلام از او سخن می‌گوید (نام او یهوئئع بوده و از نیایش‌سرایان نخستین در فلسطین است) (ر.ک: شرم، ۱۹۷۴، ص ۴۴۵)، این‌همانی برقرار ساخت.

ادعای همسانی «یس» در قرآن کریم با «یسی» در عهد عتیق جز تشابه اسمی نبوده و عاری از قرائنی است که بتواند آن را اثبات کند. هرچند «یس» مطابق برخی روایات اسلامی (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ص ۲۳۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۴۵؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۱۲؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۱۱)، نام مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن مجید است و «یسی» نام پدر داود علیه السلام در کتاب مقدس (کامی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۰)، اما ویژگی‌ها و پیشگویی‌هایی که در آیات فصل ۱۱ اشعیا برای نهالی که از تنهٔ یسی می‌شکفتد - با فرض صحت انتساب اقوال به نبی نام‌برده - با آنچه در منابع اسلامی برای حضرت مهدی علیه السلام منتظر ذکر شده است، شباهت بیشتری دارد تا مصابیی که بر امام حسین علیه السلام وارد آمده است. البته این استنتاج در آثار نویسندگان مسلمان بی‌سابقه نیست (ر.ک: مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۹۶، ص ۲۸۶)؛ ولی تأویل این موعود به امام حسین علیه السلام ادعایی نسنجیده است و با بررسی نشانه‌های این شخص، سقم آن آشکار می‌شود. برای مثال، این موعود است که مطابق دیده‌ها و شنیده‌ها حکم نمی‌کند و برای مظلومان و مسکینان به عدالت دوری خواهد کرد و شیران را خواهد کُشت؛ و در آن روز جانوران وحشی در کنار حیوانات اهلی سکونت کنند و جهان از معرفت خداوند آکنده خواهد شد (اشعیا/ ۱۱: ۳-۹). در احادیث فراوانی که به توصیف دوران پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است، می‌خوانیم که این بزرگوار، برای دوری بی‌نه

نمی‌طلبید (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۳۱۵) و جهان را مملو از عدل و داد می‌کند (حاکم نيسابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۵۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۸) و در حکومتش درندگان با صلح زیست کنند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۱) و خردها کامل گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵). در نتیجه، برداشت خانم زعیمیان از این آیه صحت ندارد و ایشان دچار خطایی علمی شده‌اند.

این نکته نیز شایان ذکر است که برخلاف تلاش مؤلف برای تطبیق دادن موعود تورات به هر نحو ممکن بر امام حسین علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام و وصی او، یوشع بن نون علیه السلام، مژده آمدن حضرت عیسی علیه السلام را نیز داده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹۳) و ضرورتی ندارد که تمام بشارت‌های کتاب مقدس - با فرض صحت متن آن - به ائمه اطهار علیهم السلام بازگردانده شود و سبب تکلف گردد؛ چه اینکه زعیمیان تعبیر شاخه در عهد عتیق را الزاماً برابر با شطاً (جوانه) در قرآن مجید می‌گیرد و با این پیش‌فرض نشانه‌های آیات مربوط به شاخه را بر اهل بیت علیهم السلام منطبق می‌سازد که اندکی پیش به خطای او در بی‌توجهی به آیات قبل یا بعد آیه دارای تعبیر شاخه اشاره رفت.

اما اشکال دیگر مقاله «الامام الحسين علیه السلام بين القرآن والتوراة والانجيل» به مفهومی که مؤلف از «تورات» اراده می‌کند، برمی‌گردد. توضیح آنکه مؤلف مقاله با استناد به قرآن مجید که نشانه مذکور در تورات و انجیل را شطاً (جوانه) بیان کرده است، به کاوش در تمام عهد عتیق پرداخته و آیات حاوی تعبیر شاخه یا نهال را همان نماد اشاره شده دانسته و بر امام حسین علیه السلام تطبیق داده است. این در حالی است که آیه شریفه ناظر به توراتی است که خداوند متعال بر حضرت موسی علیه السلام نازل کرده (مائده: ۴۴؛ بقره: ۵۳) و اینکه تورات همان عهد عتیق باشد، دست‌کم مورد اختلاف است. هر چند نمی‌توان منکر شد که اجمالاً بخشی از محتویات تورات آسمانی در عهد عتیق هم یافت می‌شود، اما این‌همانی میان آن دو برقرار نیست.

آنچه امروزه با نام کتاب مقدس (Bible) شناخته می‌شود، شامل دو بخش کلی به نام‌های عهد عتیق و جدید بوده که بخش اول، خود متشکل از ۳۹ سفر (کتاب) است. بر اساس سنت یهود، این بخش از کتاب به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: تورات، نوئیم (انبیاء) و کتوئیم (نوشته‌های مقدس) (برتلر، ۲۰۰۵، ص ۸-۱۰). البته مسیحیان به‌نحو دیگری و احیاناً با ترتیبی متفاوت، این اسفار را طبقه‌بندی می‌کنند (همان، ص ۱۰-۱۱). در هر حال، بر اساس دیدگاه نخست که در خود تلمود به آن تصریح شده است و در نتیجه می‌تواند از اعتبار بالاتری برخوردار باشد، تورات تنها همان اسفار پنج‌گانه [در آغاز عهد عتیق] است (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰) و موسی علیه السلام هنگامی که در کوه طور بود (همان، ص ۱۴۳)، این کتاب آسمانی را از جانب خداوند (همان، ص ۱۶۴) دریافت نمود. البته پژوهشگرانی مانند آلن آنترمن (Allen Anterman) دیدگاه دیگری دارند و تورات را بر کل عهد عتیق نیز اطلاق کرده‌اند (آنترمن، ۱۳۹۹، ص ۷۲).

در مقاله زعیمیان نه تنها هیچ اشاره‌ای به این اسفار پنج‌گانه نشده است، بلکه عهد عتیق با تورات برابر فرض شده و نماد شاخه در آن پی‌جویی گشته است و نهایتاً از سه سفر اشعیا، زکریا و ارمیا - که هر سه در دسته کتب

انبیا قرار می‌گیرند (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰) - آیاتی استخراج و برابریابی شده است. قرآن کریم این نشانه را مذکور در تورات - و نه کتب انبیای بنی اسرائیل - دانسته است (فتح: ۲۹) و با توجه به اختلافی که در مورد این همانی تورات و عهد عتیق وجود دارد، نمی‌توان ادعای صحت این تأویل بین‌الادیانی را به صورت قطعی و مسلم پذیرفت. تبیین سوم اشکال وارد بر مقاله خانم زعیمیان توضیحات بیشتری می‌طلبد که در بخش بعدی خواهد آمد.

۴-۴. قرائت آیه شریفه شطاً

آیه ۲۹ سوره فتح به وجود نشانه‌های همراهان رسول گرامی اسلام ﷺ در تورات و انجیل تصریح می‌کند. این آیه را به دو شکل می‌توان خواند: یکی قرائت مشهور که بر روی «التوراة» وقف می‌شود؛ چنان‌که سعیدبن جبیر و ابن عباس و ضحاک و قتاده قرائت کرده‌اند (ابن نحاس، ۱۴۱۳ق، ص ۶۷۲؛ دانی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۳۱)؛ یعنی: «سِيْمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ آثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ»؛ و دنباله آیه «وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ...» جمله استنفاهی لحاظ شود. معنای آیه در این صورت چنین خواهد بود: نشانه آنان در تورات، اثر سجده بر چهره‌هایشان است و نشانه ایشان در انجیل گیهی است که جوانه می‌زند و...؛ قرائت دوم این‌گونه است که روی «الإنجیل» وقف صورت گیرد - چنان‌که مجاهد خوانده است (همان) - و واو بین دو کلمه، عاطفه اسم به اسم در نظر گرفته شود که در این حالت معنای آن، برابری نشانه ایشان در تورات و انجیل خواهد بود؛ یعنی: «ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ»؛ و ادامه آن، خبری برای ابتدای محذوف خواهد شد؛ یعنی: «هُم] كَزَرْعٍ». طبری در ذیل تفسیر آیه قول مجاهد را ذکر می‌کند که گوید: «مثلهم فی التوراة و الإنجیل واحد»؛ هرچند خودش این رأی را نمی‌پذیرد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۲۶۷).

زعیمیان معادل «شطاً» در تورات را شاخه بیان می‌کند (زعیمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۲) و می‌کوشد که این نماد را در آن کتاب کشف کند؛ اما اگر قرائت مشهور از آیه را صحیح بدانیم، این همسان‌پنداری اشتباه خواهد بود و این سومین اشکال وارد بر مقاله وی به‌شمار می‌آید؛ چراکه بنا بر این قرائت، گیاه جوانه‌زده نشانه مذکور در انجیل است، نه تورات؛ و شایسته بود که در تورات به دنبال نشانه دال بر اثر سجده در چهره‌های صحابه بگردد که خود قرآن کریم به صراحت بیان کرده است. این دوگانگی میان نشانه تورات و انجیل در کلام برخی مفسران به چشم می‌خورد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۸۹). البته برخلاف این نظر، برخی نیز با برابر گرفتن هر دو وصف در تورات و انجیل، دست به توجیه علت تکرار واژه «مثلهم» زده و تأکید را دلیل آن بیان داشته‌اند (کاشانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۹۷)؛ هرچند فصاحت کلام عکس این را ایجاب می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۱۱۶).

ناگفته نماند که با فرض صحت رأی مجاهد، برداشت زعیمیان تأیید می‌شود. البته این نظر احتمالی بعید نیست و می‌توان تقطیع آیه شریفه را در برخی احادیث به صورت «سِيْمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ آثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ

فی التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ» (زاد، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴) یا روایتی که امام صادق علیه السلام پس از این مقطع، آن را «صفه رسول الله صلی الله علیه و آله فی التوراة و الإنجیل و صفة أصحابه» تبیین فرمودند (حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۰؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۳)، مؤید برابری نشانه یادشده در تورات و انجیل دانست. علاوه بر این، شیخ مفید هنگام پاسخ به شبهه مخالفان در خصوص فضل *ابی بکر* و پیروانش در آیه فوق‌الذکر، تقطیع آن را به شکلی انجام داده است که پیش‌تر نمونه‌اش در احادیث ذکر شد (ابن‌نعمان، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۲) و احتمال می‌رود که برداشت وی نیز با خوانش دوم سازگارتر باشد. همچنین در برخی از کتب اعراب قرآن نیز این وجه تأیید شده است (زجاج، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۹).

در نهایت، اگر بتوان با دلایلی یقین‌آور ثابت کرد که نشانه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران ایشان در آیات تورات و انجیل یکسان است، قرائت مشهور بی‌اساس قلمداد خواهد شد و درستی قرائت دوم قطعی خواهد بود؛ هرچند با عدم دسترسی به این دو کتاب آسمانی، اثبات چنین امری محال می‌نماید.

۴-۵. بررسی اقوال مفسران در مورد آیه شطء

آرای خانم زعیمیان در قسمت معنای شطء در تفاسیر قرآن کریم احیاناً سدید نیست و گاهی اشتباهات آشکاری مرتکب شده است. این امر نگارندگان را بر آن داشت تا پس از بیان این موارد نادرست، به بازتفسیر مفهوم «شطء» بپردازند و تأویل صحیح آن را با استناد به سخنان مفسران قرآن کریم و به‌ویژه کلام راسخین فی العلم بازجویند.

خطای نخست، نسبت دادن اجماع به مفسرین در خصوص تعریف «زرع» به رسول خدا صلی الله علیه و آله و «شطء» به اصحاب اوست (زعیمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۲ و ۶۵)؛ حال آنکه وی تنها دو کتاب *جامع البیان طبری و الجامع لأحكام القرآن قرطبی* را مرجع خود عنوان می‌کند. با این وصف، ادعای اجماع قابل تأمل است؛ چه او هیچ تفسیر شیعی را در اثبات ادعای اجماع ذکر نکرده و شواهد کافی بر مدعای خویش نیاورده است.

وی در ادامه، *ابن‌الاعقم* را که یک مفسر زیدی‌مذهب متعلق به قرن نهم است (حسینی اشکوری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۷) منصف می‌خواند که وی نظر فوق (مدعای اجماع مفسرین) را نپذیرفته است (زعیمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۲)؛ اما با مراجعه به تفسیر او - که شاید در این پژوهش ارزش استنادی چندانی نداشته باشد - مشخص می‌شود که وی این حدیث تفسیری را از عکرمه نقل کرده است: «أخرج شطأه بأبی بکر، فأزره بعمر، فاستغلظ بعثمان، فاستوی علی سوقه بعلی» (اعقم، بی‌تا، ذیل آیه ۲۹ سوره فتح) و به‌دنبال آن، منکر وجود دلیلی در آیه بر صحتش شده است؛ لذا گفته زعیمیان یک نسبت نادرست به آن مفسر قلمداد می‌گردد که به اعتبار علمی اثرش لطمه می‌زند.

سومین خطای مؤلف، در نقل قولی از *تفسیر کشاف* (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۴۸) می‌باشد که تقطیعی مخل در آن رخ داده است؛ آنجا که معنای «فاستوی علی سوقه» را «به [واسطه] علی» عنوان می‌کند

(زعیمیان، ۱۴۴۰ق، ص ۵۲). متن کامل روایت در بخش نقد و بررسی روایات مورد استناد مؤلف آورده شد و عدم اعتبار آن از منظر مبانی اعتقادی شیعه بیان گردید. با وجود این، استناد به بخشی از حدیثی که از نگاه شیعیان صحت مضمونش تأیید نمی‌شود، استناددهی نادرست برای اثبات رأی خود است و در یک پژوهش علمی امری سخیف تلقی می‌گردد.

وجود اشکالاتی از این قبیل، نگارندگان را بر آن داشت تا با مراجعه به تفاسیر بزرگان شیعه و اهل سنت، تفسیری بیابند که به صواب نزدیک‌تر باشد. با بررسی اقوال علمای اسلام در خصوص آیه شطأ، آن را بدین‌گونه می‌توان خلاصه کرد: این آیه شریفه به صدر اسلام اشاره دارد که پیامبر اکرم ﷺ بی‌یار و یاور دعوت را آغاز فرمود و مسلمانان اندک‌اندک ندای حضرت ﷺ را لیبیک گفتند و به یاری او شتافتند تا آنکه جمعیتشان افزون و امرشان مستحکم گردید و به کمک یکدیگر تقویت شدند (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۵۰۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۴؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۳۶۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۲۸۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۴۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۴۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۸۳؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۰۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۳۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۲۶۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۸۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵۵، ص ۴۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۰۳). به عبارتی، این بخش از آیه به توصیف جامعه اسلامی می‌پردازد که متکامل و نیرومند می‌گردد (فضل‌الله، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، ص ۱۲۹). بنابراین، نشانه‌ای که به‌فرموده قرآن مجید در خصوص نبی مکرم اسلام ﷺ و همراهان ایشان در کتب آسمانی سابق ذکر شده، نه تنها یک گیاه در حال جوانه زدن و رشد یافتن، بلکه تصویری از باروری جامعه مسلمانان، به‌ویژه در صدر اسلام است که موجب شگفتی کافران شده و نویدبخش پیروزی دین حق بر تمام ادیان عالم است؛ همان‌گونه‌که در آیه پیش از آن (فتح: ۲۸) نیز این وعده حتمی عنوان گردید. بنابراین اگر نشانه‌ای در تورات یا انجیل قابل شناسایی باشد، شکوفایی همراهان عقیدتی رسول اکرم ﷺ خواهد بود که پیروان سایر آیین‌ها را به همگامی با آن فرامی‌خواند. شایان ذکر است که برخی مفسران با این دیدگاه به گردآوری آیاتی از کتاب مقدس در مورد پیامبر اکرم ﷺ و جامعه بناشده به‌همت ایشان پرداخته‌اند که طبق آن، «ملکوت» نماد برابر گیاه در حال نمو قرآن مجید خواهد بود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۲۱۶-۲۱۷) که پیوسته می‌روید و شاخه می‌آورد تا سرانجام پرندگان هوا را آشیان دهد (مرقس / ۴: ۳۰-۳۳).

نتیجه‌گیری

– مقاله «الإمام الحسين ﷺ بين القرآن والتوراة والإنجيل» ضمن نگاهی نو به آیه شریفه ۲۹ سوره فتح، کوشیده است تا تحقق این وعده حتمی را در کتاب مقدس بازجوید.

– نویسنده مقاله با توجه به آیه یادشده که در آن، شطاء (جوانه یا فرزند) یکی از نشانه‌های همراهان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل معرفی شده، این واژه را نشانه امام حسین علیه السلام دانسته و معتقد است که چنین تعبیری در دو کتاب آسمانی تورات و انجیل نیز به شکل نمادین در مورد آن امام به کار رفته است.

– مقاله یادشده تعدادی از آیات تورات را که مشتمل بر واژه «شاخه» است، به منزله تأویل شطاء در قرآن مجید دانسته و مدعی این‌همانی دو تعبیر شده است.

– با وجود مطالب ارزنده این نوشته، بررسی‌های تفسیری و روایی نشان می‌دهد که برخی از روایات مورد استناد مؤلف دارای ارزش استنادی نیست.

– جزم‌گویی مؤلف در تأویل آیاتی از عهد عتیق که به نماد شاخه اشاره دارند، امری مورد تأمل است؛ چه اینکه آیات مورد استناد وی به‌نحو دیگری نیز قابلیت تفسیر دارد.

– مطابق قرائت مشهورتر آیه ۲۹ سوره فتح، شطاء نشانه‌ای در انجیل است، نه در هر دو کتاب تورات و انجیل؛ گرچه مقاله مورد نقد، بر اساس قرائت غیرمشهور عمل کرده و به یافتن نماد برابر شطاء در تورات همت گماشته است.

– نشانه‌ای که در قرآن کریم از آن به منزله نماد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و همراهان ایشان در کتب آسمانی پیشین یاد شده است، امت رسول الله صلی الله علیه و آله است که می‌شکند و جمعیتش فزونی می‌یابد و ناباوران را به شگفت می‌آورد. این تفسیر با سیاق آیه و سنت تفسیری سازگاری بیشتری دارد و تفسیر این نشانه به گیاهی که جوانه می‌زند، خالی از تکلف نیست.

منابع

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، *الغیبة للنعمانی*، تهران، صدوق
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، ۱۴۰۹ق، *الکتاب المنصف فی الأحادیث والآثار*، ریاض، مکتبه الرشد.
- ابن اعثم، احمد، ۱۴۱۱ق، *کتاب الفتوح*، بیروت، دار الأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *أمالی الصدوق*، چ ششم، تهران، کتابچی.
- ، ۱۳۷۸ق، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان.
- ، ۱۳۹۵ق، *کمال الدین و تمام النعمه*، چ دوم، تهران، اسلامیه.
- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، بی تا، *کتاب و رسائل و فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیہ*، چ دوم، مکتبه ابن تیمیہ.
- ابن حنبل، احمد، ۱۴۰۳ق، *فضائل الصحابه*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ، ۱۴۲۱ق، *مسند الامام احمد بن حنبل*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابن سعد، ابو عبدالله، ۱۹۹۰، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن نحاس، احمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *القطع والائتناف*، المملكة العربیة السعودیة، دار عالم الکتب.
- ابن نعمان، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإفصاح فی الإمامة*، قم، کنگره شیخ مفید.
- ابوشهبه، محمد بن محمد، بی تا، *أسباب الضعف فی التفسیر بالمأثور*، چ چهارم، مکتبه السنه.
- اعقم، احمد بن علی، بی تا، *تفسیر الأعقم*، نسخه الکترونیک، سایت www.balligho.com
- امینی، عبدالحسین، ۱۳۸۷ق، *الغدير فی الکتاب و السنه و الأدب*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- اندلسی، ابو حیان، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- الوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- آنرمن، آلن، ۱۳۹۹، *باورها و آیین های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، چ پنجم، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بارا، آنتوان، ۱۳۸۸، *حسین در اندیشه مسیحیت*، ترجمه غلام حسین انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- بانی، محمد ناصر الدین، ۱۴۱۵ق، *سلسله الأحادیث الصحیحة*، ریاض، مکتبه المعارف.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *معالم التنزیل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۹۹۸، *سنن الترمذی*، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۵، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت.
- تیواری، کدارات، ۱۳۹۶، *دین شناسی تطبیقی*، ترجمه مرضیه شنکایی، چ سوم، تهران، سمت.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ق، *إنبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، الأعلمی.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
- حسینی اشکوری، احمد، ۱۴۱۳ق، *مؤلفات الزیدیه*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳ق، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، چ پنجم، بی جا، بی تا.
- دانی، عثمان بن سعید، ۱۴۰۷ق، *المکتفی فی الوقف و الابتداء*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله.

- ذهبي، محمدبن احمد، ۱۴۰۴ق، *معرفة القراء الكبار*، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ، ۱۴۱۳ق(الف)، *سير الأعلام النبلاء*، ج نهم، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ، ۱۴۱۳ق(ب)، *الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة*، جدة، دار القبلة للثقافة الإسلامية.
- رازى، ابوالفتح حسين بن على، ۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوى.
- راوندى، سعيدبن هبةالله، ۱۴۰۹ق، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسة امام مهدي عليه السلام.
- زجاج، ابراهيم بن سري، ۱۴۰۸ق، *معاني القرآن و إعرابه*، بيروت، عالم الكتب.
- زراد، زيد، ۱۴۲۳ق، *الأصول الستة عشر*، قم، مؤسسة دار الحديث الثقافية.
- زرارى، ابوغالب، ۱۳۹۹ق، *رسالة في آل أعين*، قم، ربانى.
- زرکشى، محمدبن عبدالله، ۱۴۰۶ق، *التذكرة في الأحاديث المشتهرة*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- زعيبيان، زهور كاظم، ۱۴۴۰ق، «الإمام الحسين عليه السلام بين القرآن الكريم و التوراة و الإنجيل»، *البسط پنجم*، ش ۸، ص ۴۳-۷۴.
- زمخشري، محمودبن عمر، ۱۴۰۷ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*، ج سوم، بيروت، دارالكتب العربى.
- سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، قم، مكتبة آيةالله المرعشى النجفى.
- شمس، محمد، ۱۳۸۹، *سير تحول كتاب مقدس*، قم، بوستان كتاب.
- شوشترى، محمدتقى، ۱۴۱۰ق، *قاموس الرجال*، ج دوم، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم.
- صادقى تهرانى، محمد، ۱۴۰۶ق، *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن و السنة*، ج دوم، قم، فرهنگ اسلامى.
- صفار، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام*، ج دوم، قم، مكتبة آيةالله المرعشى النجفى.
- طباطبايى، محمدحسين، ۱۳۹۰، *الميزان في تفسير القرآن*، ج دوم، بيروت، مؤسسة الأعلمى للطبوعات.
- طبرسى، احمدبن على، ۱۴۰۳ق، *الاحتجاج على اهل اللجاج*، مشهد، مرتضى.
- طبرسى، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، ج سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طبرى، محمدبن جرير، ۱۴۱۲ق، *جامع البيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار المعرفة.
- طوسى، محمدبن حسن، بى تا، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- عاملى، جعفر مرتضى، ۱۴۱۵ق، *الصحيح من سيرة النبى الأعظم عليه السلام*، ج چهارم، بيروت، دار الهداى.
- عسقلانى، احمدبن على، ۱۴۰۶ق، *لسان الميزان*، ج سوم، بيروت، مؤسسة الأعلمى للطبوعات.
- ، بى تا، *تجليل المنقعة*، بيروت، دار الكتاب العربى.
- قتال نيشابورى، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، *روضة الواعظين و بصيرة المتعظين*، قم، رضى.
- فتنى، محمدطاهر بن على، ۱۳۴۳، *تذكرة الموضوعات*، ادارة الطباعة المنبرية.
- فخر رازى، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسير الكبير*، ج سوم، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- فضل الله، محمدحسين، ۱۴۰۵ق، *من وحى القرآن*، بيروت، دار الزهراء.
- فكرى، انطونيوس، ۲۰۱۸الف، *سفر إسعيا*، بيروت، الكنوز القبطية.
- ، ۲۰۱۸، *سفر زكريا*، بيروت، الكنوز القبطية.
- فيض كاشانى، محمدبن شاه مرتضى، ۱۴۱۵ق، *تفسير الصافى*، ج دوم، تهران، مكتبة الصدر.
- قمى، على بن ابراهيم، ۱۳۶۳ق، *تفسير القمى*، ج سوم، قم، دار الكتب.
- كاشانى، فتح الله بن شكرالله، بى تا، *منهج الصادق في إلزام المخالفين*، تهران، كتابفروشى اسلاميه.

- کشی، محمدبن عمر، ۱۴۰۴ق، *اختیار معرفة الرجال*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، ج چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الاسلامی.
- کهن، آبراهام، ۱۳۸۲، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر.
- مامقانی، عبدالله، بی تا، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف، مطبعة المرتضویه.
- مرتضی، بسام، ۱۴۲۶ق، *زبدة المقال من معجم الرجال*، بیروت، دار المحجة البيضاء.
- مظفر، محمدحسن، ۱۴۲۶ق، *الإفصاح عن احوال رواة الصحاح*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الإسلامی.
- مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، *الاختصاص*، قم، المؤتمر العالمی لآل فیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، ج دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۹۶، *گفتنمان مهدویت: سخنرانی و مقاله‌های گفتنمان چهارم*، قم، بوستان کتاب.
- نجاشی، احمدبن علی، ۱۳۶۵، *رجال النجاشی*، ج ششم، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۴ق، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران، فرزند مؤلف.
- واقدی، محمدبن عمر، ۱۴۱۷ق، *فتوح الشام*، دار الکتب العلمیة.

Brettler, Marc, 2005, *How to read the Bible*, Philadelphia, The Jewish Publication Society.

Calvin, John, 2015, *Commentary on the book of prophet Isaiah*, Translated by William Pringle, Vol. 4, Grand Rapids, Wheaton.

Comay, John, 2005, *Who's who in the old testament*, London and New York, Routledge.

Friedman, Richard, 1997, *Who wrote the Bible*, SanFrancisco, HarperCollins.

Friesen, Ivan. n.d, *Isaiah*, USA, Herald Press.

Goldingay, John, and David Payne, 2006, *A critical and exegetical commentary on Isaiah*, p.40-55, t & t clark.

Hyde, Paul, 2015, *A comprehensive commentary of the book of Isaiah*, Utah, Parrish Press.

Matthew, Henry, n.d, *Commentary on the Whole Bible*, Vol. 4, Grand Rapids: Christian Classics Ethereal Library.

Schirmann, Jefim, 1974, "*Encyclopaedia Judaica*" Edited by Fred Skolnik and Michael Berenbaum, USA, Keter Publishing House.

Schultz, John, 2007, *Commentary to Book of Isaiah*, Bible commentaries.

Wright, Ernest, John Bright, James Barr, and Peter Ackroyd, 1966, *Isaiah*, A Commentary, Translated by David Stalker, Philadelphia, The Westminster Press, p.40-66